

رسانه‌های صهیونیستی از چالش بدون راه حل پهپادهای فیرنوری حزب‌الله برای ارتش این رژیم در جنوب لبنان می‌گویند

«اف پی وی» ها، کابوس جدید صهیونیست‌ها



استهداف تجمع جنود العدو

نقطه عطف این تحول، استفاده از فیبرنوری برای هدایت پهپادهاست؛ فناوری‌ای که عملاً مهم‌ترین ابزار دفاعی اسرائیل یعنی جنگ الکترونیک را دور می‌زند

این کار نیست». این وضعیت، نه تنها خطرات فیزیکی، بلکه نوعی فرسودگی روانی را نیز در میان نیروها ایجاد کرده است.

تغییر پارادایم میدان نبرد

نکته جالب در روایت رسانه‌های صهیونیستی این است که از اوایل سال ۲۰۲۴، مؤسسات تحقیقاتی اسرائیل درباره «موج پهپادها» هشدار داده بودند. این رسانه‌ها با گلايه و انتقاد از ارتش معتقدند این هشدارها به اقدام عملی کافی منجر نشده است. امروز، همان شکاف‌ها در میدان نبرد به وضوح دیده می‌شود: آسیب‌پذیری تجهیزات، دشواری رهگیری اهداف کوچک و نبود یک راه‌حل جامع. تحلیلگران در مؤسسات تحقیقاتی نظامی هشدار داده بودند پهپادهای ارزان مجهز به فناوری اف پی وی می‌توانند به یک «تهدید افقی» در بردهای وسیع تبدیل شوند به‌ویژه اگر به صورت انبوه استفاده شوند.

در نهایت، آنچه از مجموع این گزارش‌ها برمی‌آید، صرفاً ظهور یک سلاح جدید نیست، بلکه شکل‌گیری یک الگوی جدید از جنگ است. پهپادهای اف پی وی دیگر صرفاً یک ابزار تاکتیکی نیستند؛ آن‌ها به بخشی از یک رویکرد جدید تبدیل شده‌اند که بر ترکیب فناوری ارزان، انعطاف‌پذیری عملیاتی و فشار مستمر بر دشمن استوار است. در این چارچوب، برتری فناوریانه کلاسیک - که مبتنی بر سامانه‌های گران قیمت و پیچیده است - با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. خلاصه آنچه در پوشش رسانه‌های عبری منعکس می‌شود این است که اسرائیل به پهپادهای دارای دید اول شخص حزب‌الله به عنوان یک سلاح هوشمندانه فرسایشی نگاه می‌کند، نه یک سلاح تعیین‌کننده. به باور آن‌ها این سلاح قرار نیست معجزه کند و به برتری هوایی اسرائیل پایان دهد، اما این یک ابزار کم‌هزینه، نسبتاً دقیق و تا حد زیادی در برابر پارازیت مضمون، به یک منبع نگرانی واقعی برای ارتشی که به برتری فناوریانه در این عملیات، نیروهای نظامی موظف به حفاظت از بلدوزها و پیمانکاران غیرنظامی هستند، آن هم در شرایطی که پهپادها به‌طور مداوم در آسمان حضور دارند. یکی از سربازان می‌گوید: «ما در معرض دید می‌ایستیم و از تخریب خانه‌ها محافظت می‌کنیم، در حالی که پهپادها بالای سر ما هستند. هیچ منطقی در

کلاهیک آن‌ها نیز اغلب از راکت‌های آرپی‌جی تأمین می‌شود؛ سلاحی فراوان و ارزان که در ترکیب با این پهپادها، به یک ابزار تهاجمی جدید تبدیل شده است. این نسبت هزینه-فایده، یکی از نگرانی‌های اصلی اسرائیل است: در حالی که هزینه تولید یک پهپاد ممکن است چند صد دلار باشد، هزینه رهگیری یا مقابله با آن به مراتب بالاتر است. این عدم توازن، در صورت استفاده گسترده، می‌تواند به یک ابزار فرسایشی مؤثر تبدیل شود.

روایت انتقادی ها ارتص درباره آسیب‌پذیری سربازان

گزارش روزنامه ها ارتص، بُعد دیگری از این ماجرا یعنی تأثیر این تهدید بر روحیه و عملکرد نیروهای میدانی را نشانه می‌رود. به گفته این رسانه اسرائیلی، پهپادهای انفجاری کوچک، بی‌صدا و به راحتی در دسترس، نه تنها خسارت وارد می‌کنند، بلکه روال عملیاتی نیروها را مختل و نوعی احساس آسیب‌پذیری دائمی ایجاد می‌کنند، به‌ویژه در شرایطی که ارتش اسرائیل بر تخریب خانه‌ها و ایجاد منطقه حائل در جنوب لبنان متمرکز است.

اعتراف صریح: در مقابل این سلاح، راه‌حلی وجود ندارد

شاید مهم‌ترین بخش این گزارش‌ها، نه توصیف خود پهپادها، بلکه لحن اعتراف آمیز مقامات و تحلیلگران اسرائیلی باشد. مقامات نظامی اسرائیل اعتراف کرده‌اند هنوز هیچ راهکار مؤثری برای مقابله با پهپادهای هدایت‌شونده با فیبرنوری در اختیار ندارند. این در حالی است که پهپادهای معمولی، دست کم در بسیاری از موارد، با ابزارهای جنگ الکترونیک قابل مهار هستند. در همین زمینه، «یاکوب یانوفسکی» تحلیلگر نظامی در گفت‌وگو با رسانه «تایمز اسرائیل» تصویری به‌مراتب هولناک‌تر از نحوه مواجهه با این پهپادها ارائه می‌دهد: «با باید خوش شانس باشید یا اپراتور پهپاد اشتباه کند. تنها راه سرنگونی آن‌هاست». این جمله، به خوبی وضعیت کنونی را نشان می‌دهد. اسرائیل با این تهدید را نمایان می‌کند: ارتشی با پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاعی، در برابر یک ابزار کوچک، ارزان و نسبتاً ساده، ناچار به اتکا به شلیک مستقیم و واکنش‌های لحظه‌ای شده است. یکی از ویژگی‌های کلیدی این پهپادها، سادگی ساخت آن‌هاست. برخلاف بسیاری از سامانه‌های پیشرفته نظامی، پهپادهای اف پی وی عمدتاً از قطعات تجاری در دسترس و حتی قطعات چاپ سه‌بعدی ساخته می‌شوند.

محسن فاطمی نژاد | « هنوز هیچ راهکار

دفاعی مؤثری برای مقابله با پهپادهای انفجاری که از طریق کابیل فیبرنوری هدایت می‌شوند و در برابر اختلال الکترونیکی مقاوم‌اند، وجود ندارد. اسرائیل تنها در جریان جنگ کنونی با حزب‌الله به دنبال راه‌حل برای این موضوع افتاده است». این ادعائی است که رسانه اسرائیلی «تایمز اسرائیل» در پی حملات اخیر حزب‌الله به تجمع سربازان صهیونیستی با این نوع از پهپادها که به FPV شهره هستند، منتشر کرده است.

این اعتراف، در واقع نقطه ورود به تصویری گسترده‌تر از تحولی است که به تدریج در میدان نبرد جنوب لبنان در حال شکل‌گیری است؛ تحولی که نه صرفاً یک تغییر تاکتیکی، بلکه نشانه‌ای از جابه‌جایی در ماهیت تهدیدات و برهم خوردن برخی از معادلات کلاسیک نظامی به شمار می‌رود.

شاهکار حزب‌الله توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد

تمرکز رسانه‌ای روی موضوع ریزبرنده‌های انهدامی که به اف پی وی شهره هستند، از صبح یکشنبه آغاز شد، زمانی که یکی از این پهپادهای کوچک که توسط نیروهای حزب‌الله هدایت می‌شد، به سربازان اسرائیلی که در حال تعمیر تانک خود در شهری در جنوب لبنان بودند، برخورد کرد.

این پهپاد که به مواد منفجره مجهز بود، در تجمع سربازان رژیم صهیونیستی منفجر شد و در پی آن به اعتراف ارتش اسرائیل، گروهان «ایدان فوکس» کشته شده و ۶ سرباز دیگر زخمی شدند که حال چهار نفر آن‌ها وخیم گزارش شده است.

در ادامه این ماجرا، یک بالگرد نیروی هوایی رژیم صهیونیستی برای تخلیه مجروحان اعزام شد. در همین گیرودار، حزب‌الله موج دوم حمله را آغاز کرد و دو پهپاد انهدامی دیگر به سمت همان نقطه پرتاب شد. یکی از آن‌ها رهگیری شد، اما دیگری در ارتفاع پایین و در فاصله‌ای بسیار نزدیک به نیروها و بالگرد، به زمین خورد و منفجر شد.

تصاویر منتشرشده از این صحنه نشان می‌دهد سربازان در لحظات پایانی تلاش می‌کنند با شلیک مستقیم، پهپاد را ساقط کنند؛ تلاشی که خود به خوبی بیانگر فقدان ابزار مؤثر و کارآمد برای مقابله با این تهدید است.

این حمله، به تعبیر رسانه‌های اسرائیلی، یک شکاف عملیاتی را عیان کرد: عدم آمادگی ارتش اسرائیل در برابر پهپادهای دارای دید اول شخص (اف پی وی) که اکنون به یکی از سلاح‌های برجسته در زرادخانه حزب‌الله تبدیل شده‌اند.

فراخبر

نشست مشورتی سران شورای همکاری خلیج فارس در جده برگزار شد

سایه غیبت عمان بر تصویر وحدت شیخ‌نشین‌ها

نیوکار | در حالی که تنش‌های منطقه‌ای پس از دو ماه درگیری مستقیم میان ایران و محور آمریکایی- صهیونیستی همچنان سایه سنگینی بر خلیج فارس افکنده، سران و نمایندگان شورای همکاری خلیج فارس (GCC) روز سه‌شنبه در نخستین نشست حضوری خود پس از آغاز جنگ، در شهر ساحلی جده گرد هم آمدند. این اجلاس مشورتی به ریاست محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، با حضور شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر، حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین، شیخ مشعل الاحمد العابر الصباح امیر کویت و شیخ عبدالله بن زاید آل نهيان وزیر امور خارجه امارات برگزار شد. کشورهای عضو در بیانیه پایانی، از آتش‌بس میان ایالات متحده و ایران که با میانجی‌گری پاکستان در ۸ آوریل برقرار شد، استقبال کردند و تلاش‌های اسلام‌آباد را ستودند. آن‌ها خواستار تبدیل این آتش‌بس به توافقی پایدار شدند که نه تنها تنش‌ها را مهار کند، بلکه به مسائل ساختاری بی‌ثبات‌کننده منطقه طی دهه‌های گذشته نیز بپردازد. شیخ تمیم در ارزیابی خود تأکید کرد این نشست، موضع یکپارچه کشورهای حاشیه خلیج فارس را در قبال بحران جاری به نمایش گذاشت و بر ضرورت تقویت هماهنگی برای حمایت از مسیرهای دیپلماتیک و حفظ امنیت و ثبات تأکید ورزید. سران شورا همچنین بر رد قاطع هرگونه اقدام ایران برای بستن یا اخذ عوارض از تنگه هرمز یا فشاری کردند و آزادی کشتیرانی در

این آبراه حیاتی را ضروری دانستند. تصمیمات عملی شامل تسریع در احداث خط لوله نفت و گاز فرامرزی مشترک، ایجاد سامانه هشدار اولیه نظامی برای مقابله با موشک‌های بالستیک، ذخیره استراتژیک سوخت و کالاهای شبکه اتصال آب میان کشورهای عضو پروژه راه‌آهن سراسری خلیج فارس بود. این اقدامات در چارچوب تقویت ادغام اقتصادی و امنیتی و کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی آسیب‌پذیر اتخاذ شد. با این حال، آنچه بیش از هر چیز توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد، غیبت برجسته عمان بود. در حالی که بیشتر اعضای شورا در سطح عالی یعنی امیر یا پادشاه حضور داشتند، عمان - که معمولاً نقش تعدیل‌کننده و میانجی در روابط با ایران را ایفا می‌کند - به‌طور کامل غایب ماند و حتی نماینده رسمی آن مشخص نبود. امارات نیز تنها با حضور وزیر خارجه‌اش شرکت کرد که برخی تحلیلگران آن را نشانه‌ای از ناراضیاتی ابوظبی از سطح هماهنگی فعلی شورا تفسیر کرده‌اند. غیبت عمان غایب بزرگ این نشست توصیف شد و رسانه‌های عربی و بین‌المللی به آن پرداختند. رویترز، الجزیره و منابع سعودی گزارش دادند حضور عمان «نامشخص» بود و این موضوع بر تصویر وحدت کامل شورا سایه انداخت. عمان به عنوان کشوری که روابط تاریخی و دیپلماتیک نزدیک‌تری با تهران دارد، در هفته‌های اخیر میزبان دیدارهایی با مقامات



ایرانی از جمله عباس عراقچی برای حفظ کانال‌های ارتباطی میان تهران و واشنگتن بوده است. مسقط همواره سیاست

دوستی با همه و دشمنی با هیچ‌کس را دنبال و خود را به عنوان کانال تعادل بخش معرفی می‌کند. برخی تحلیلگران این غیبت را نه لزوماً نشانه شکاف عمیق، بلکه تلاش عمان برای حفظ نقش میانجیگرانه خود در بحرانی می‌دانند که مستقیماً امنیت اقتصادی همه اعضا را تهدید می‌کند. عمان نگران است موضع‌گیری‌های تندتر شورا، فضای مانور دیپلماتیکش را محدود کند، به‌ویژه در شرایطی که مذاکرات میان آمریکا و ایران هنوز به نتیجه نرسیده است. با وجود این، برخی ناظران رسانه‌های عربی این غیبت را نمادی از چالش‌های درونی شورای همکاری خلیج فارس می‌دانند. وقتی یکی از اعضای کلیدی با رویکرد متفاوت در نشستی با این حساسیت غایب باشد، حفظ اجماع دشوارتر می‌شود. برخی بر این باورند این اجلاس مشورتی بیش از آنکه تنها به استقبال از آتش‌بس بپردازد، تلاشی برای بازتعریف وحدت خلیجی در برابر یک بحران بزرگ بود. غیبت عمان اما یادآوری کرد وحدت کامل همیشه آسان نیست و تفاوت‌های رویکردی - به‌ویژه میانجی‌گری سنتی مسقط - همچنان وجود دارد.

تصمیم نفتی امارات را چگونه باید تفسیر کرد؟ خروج از اوپک با طعم ضربه به ریاض و راضی کردن ترامپ

گروه بین‌الملل | خروج امارات متحده عربی از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در میانه تنش‌های منطقه‌ای و جنگ با ایران، نه تنها شکاف‌های قدیمی در خلیج فارس را عمیق‌تر کرده، بلکه می‌تواند معادلات بازار انرژی و توازن قدرت میان ریاض، ابوظبی و واشنگتن را به‌طور جدی دگرگون کند. وب‌سایت «میدل ایست آی» در گزارشی تازه به ابعاد سیاسی و اقتصادی خروج از اوپک توسط امارات متحده عربی پرداخته و آن را رخدادی فراتر از یک اختلاف فنی در حوزه انرژی توصیف کرده است؛ تصمیمی که هم پیام روشنی برای عربستان سعودی دارد و هم می‌تواند رضایت دونالد ترامپ را جلب کند. بنابر این گزارش، تصمیم امارات برای ترک اوپک در ماه آینده، بیش از آنکه صرفاً یک انتخاب اقتصادی باشد، به‌عنوان یک «اعلام موضع» در برابر عربستان سعودی و حتی نشانه‌ای از بازتعریف روابط این کشور با ایالات متحده ارزیابی می‌شود. این اقدام در شرایطی رخ می‌دهد که جنگ علیه ایران (و پاسخ متقابل ایران در هدف قراردادن پایگاه‌های آمریکایی در خاک این کشورها) نه تنها موجب هم‌گرایی کشورهای منطقه نشده، بلکه اختلافات قدیمی میان بازیگران خلیج فارس را تشدید کرده است.

ریشه‌های یک شکاف قدیمی در اوپک

در ظاهر، خروج امارات ادامه اختلاف دیرینه این کشور با عربستان بر سر میزان تولید نفت است. ریاض سال‌ها بر محدودسازی عرضه برای حفظ قیمت‌ها تأکید داشت، در حالی که ابوظبی طرفدار افزایش تولید و کسب سهم بیشتر از بازار جهانی بوده است. این تفاوت رویکرد، ریشه در ساختار اقتصادی دو کشور دارد؛ عربستان با جمعیتی چند ده میلیون و ذخایر عظیم نفتی، به مدیریت قیمت‌ها توجه دارد، در حالی که امارات با جمعیت کمتر، به دنبال حداکثرسازی بهره‌برداری از ظرفیت تولید خود است. با این حال، روایت میدل ایست آی از این رویداد تأکید می‌کند این تصمیم صرفاً اقتصادی نیست. به‌گفته تحلیلگران، عربستان در ماه‌های اخیر، خودنیز به سمت افزایش تولید حرکت کرده و عملاً به موضع امارات نزدیک شده بود. بنابراین، خروج ابوظبی را باید اقدامی سیاسی دانست؛ اقدامی که در بستر تحولات ژئوپلیتیکی اخیر معنا پیدا می‌کند. این تحول در زمانی رخ می‌دهد که امارات به‌طور فعال از ادامه جنگ آمریکا علیه ایران حمایت می‌کند و هم‌زمان به اسرائیل نزدیک‌تر شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که در جریان حملات ایران، اسرائیل سامانه‌های دفاعی به امارات ارسال کرده است. در مقابل، عربستان ضمن همکاری نظامی با آمریکا، از تلاش‌های میانجیگرانه نیز حمایت کرده و رویکردی محتاطانه‌تر در پیش گرفته است.



در چنین شرایطی، خروج از اوپک می‌تواند تلاشی از سوی امارات برای جلب نظر دولت ترامپ تلقی شود. رئیس‌جمهور آمریکا سال‌ها اوپک را به سوءاستفاده از بازار جهانی متهم کرده و خواهان تضعیف این سازمان بوده است. برخی تحلیلگران حتی احتمال می‌دهند این اقدام بخشی از یک توافق غیررسمی میان امارات، آمریکا و اسرائیل باشد؛ توافقی که در ازای حمایت‌های امنیتی، ضربتی به اوپک وارد می‌کند.

هم‌زمان، نشانه‌هایی از تلاش امارات برای تقویت روابط راهبردی با واشنگتن دیده می‌شود. درخواست برای ایجاد خط مبادله ارزی با آمریکا و اعلام آمادگی برای یک جنگ طولانی مدت، از جمله این نشانه‌هاست. این اقدامات نشان می‌دهد ابوظبی خود را برای دوره‌ای از بی‌ثباتی آماده کرده و به دنبال تضمین حمایت‌های اقتصادی و نظامی آمریکاست.

جنگ علیه ایران و فرسایش هم‌گرایی شیخ‌نشین‌ها

در سطح منطقه‌ای، این تصمیم بخشی از رقابت گسترده‌تر میان امارات و عربستان تلقی می‌شود. دو کشور که زمانی متحدان نزدیک بودند، اکنون در پرونده‌هایی مانند یمن، سودان و لیبی در جبهه‌های متفاوت قرار دارند. حتی گزارش‌هایی از تلاش ریاض برای کاهش نفوذ امارات در برخی مناطق منتشر شده است. حملات ایران به کشورهای خلیج فارس در ابتدا این تصور را ایجاد کرد که تهدید مشترک می‌تواند به هم‌گرایی دوباره این کشورها منجر شود. اما با طولانی شدن درگیری، نشانه‌های رقابت بیشتر نمایان شده است. خروج امارات از اوپک را می‌توان یکی از بارزترین جلوه‌های این روند دانست. مقام‌های اماراتی نیز به‌طور ضمنی تأیید کرده‌اند زمان‌بندی این تصمیم با شرایط جنگی مرتبط است. به‌گفته وزیر انرژی این کشور، شرایط فعلی موجب می‌شود خروج از اوپک کمترین تأثیر منفی را بر تولیدکنندگان داشته باشد. در واقع، اختلال در عرضه نفت به دلیل تنش‌ها، فضا را برای چنین تصمیمی فراهم کرده است.

در نهایت، برخی تحلیلگران این تحول را نشانه‌ای از تضعیف تدریجی اوپک می‌دانند؛ سازمانی که بیش از ۶ دهه پیش با هدف هماهنگی سیاست‌های نفتی کشورهای عضو تأسیس شد. اکنون، با خروج یکی از تولیدکنندگان بزرگ، غیبت عمان اما است که آیا اوپک می‌تواند انسجام خود را حفظ کند یا در مسیر افول قرار گرفته است.

آن گونه که میدل ایست آی نتیجه‌گیری می‌کند، اقدام امارات ممکن است آغازگر مرحله‌ای جدید در بازار جهانی انرژی باشد؛ مرحله‌ای که در آن، رقابت‌های ژئوپلیتیکی بیش از گذشته بر تصمیمات اقتصادی سایه می‌اندازد و اتحاد‌های قدیمی جای خود را به آرایش‌های تازه قدرت می‌دهند.